**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب فصول**

**بررسی پاسخ شیخ به فرمایش صاحب اصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه شصت و نهم\_10 اسفند 1398**

تاکنون فرمایش مرحوم صاحب فصول اعلی الله مقامه، مطرح شد و مورد نقد و بررسی مرحوم شیخ انصاری قرار گرفت. اشکال اول شیخنا الانصاری به صاحب فصول مطرح شد.

صاحب فصول دنبال این بود که بفرماید ما همچنان که علم اجمالی داریم به وجود تکالیف فعلیه، علم اجمالی هم داریم به نصب طریقی من جانب الشرع برای وصول به این احکام، اشکال مرحوم شیخ این شد که چنین طریق شرعی ثابت نشده است و لنا ان نقول که شارع ما را برای فهم احکامش حواله داده است به همان طرق عقلائیه.

حال اشکال دوم:

قال الشیخ رحمه الله در صفحه 443 رسائل:

و ثانیا سلمنا نصب الطریق لکن بقاء ذلک الطریق لنا غیر معلوم.

بسیار خوب می پذیریم که شارع طریقی را نصب کرده است. سلمنا نصب الطریق ولی از کجا که این طریقی که شارع نصب فرموده است الآن برای ما معلوم باشد؟ این غیر معلوم است.

بیان ذلک این است که:

(چون این عبارت را ما قبلا هم بهش در مقدمات انسداد اشاره کردیم، عبارت دقیقی است)

أنّ ما حکم بطریقیته لعّله قسم من الأخبار لیس منه بایدینا الیوم الّا القلیل.

شاید آن چیزی که صاحب فصول آن را طریق قرار داد، بخشی از أخبار باشد که الان به غیر از قلیلی از آن دست ما نیست.

کان یکونَ الطریق المنصوب هو الخبر المفید للاطمئنان الفعلی بالصدور

بگوییم آن طریقی که شارع نصب کرده است خبر مفید اطمئنان فعلی و شخصی به صدور باشد.

الذی کان کثیراً فی زمان السابق

این اخبار الان در دست ما نیست اما قبلا زیاد بوده است. چرا؟

لکثرة القرائن

چون قبلا قرائن فراوان بود که می توانستیم با توجه به آن قرائن اطمینان به صدور پیدا کنیم

و لا ریب فی ندرة هذا القسم فی هذا الزمان.

اخباری که بتوانیم از ان ها اطمینان شخصی پیدا کنیم، بسیار کم است.

این یک.

دوم:

او خبر العادل او الثقة الثابت عدالته او وثاقته بالقطع او البینة الشرعیه او الشیاع مع افادته الظن الفعلی بالحکم

شاید آن طریقی را که صاحب فصول از آن یاد می کند، خبر مفید اطمینان نباشد که بگوییم کم است، بلکه امر دومی باشد و ان خبر عادل است یعنی امامی ثقه، یا خبر ثقه و لو غیر امامی که الثابت عدالته ، عدالت ان عادل، او وثاقته بالقطع، یعنی ما قطع داشته باشیم که این راوی ثقه است. این راوی عادل است. یا بینه شرعیه داشته باشیم که این راوی ثقه و عادل است یا حداقل شیاع باشد مع افادته الظن الفعلی بالحکم. این جا هم در عین حال از این روایت ظن شخصی به حکم پیدا کنیم.

و یمکن دعوی ندرةُ هذا القسم فی هذا الزمان

من فعلا دارم عبارت درست می کنم تا بعدا توضیحی از خارج علاوه بر این توضیحات عرض خواهم کرد.

چرا نادر است؟ این اذ دلیل ندرت است.

اذ غایة الامر ان نجد الراوی فی الکتب الرجالیة محکی التعدیل بوسائط العدیده من مثل الکشی و النجاشی و غیرهما

نهایت این است که بزرگان مثل نجاشی و کشی با وسائط عدیده ای حکایت می کنند که فلان راوی ثقه است.

و من المعلوم انّ مثل هذا (این حکایت شیخ و نجاشی و کشی) لا تودی بینةً شرعیةً

این ها را نمی توان به عنوان بینه شرعیه به حساب اورد این ها واسطه خورده است. وسائط مجهول است

و لهاذا( به همین دلیل که این ها بینه شرعیه با شرائط مقرره به حساب نمی آیند) لا یُعمَل مثلُه فی الحقوق

اگر کسی ادعا کند من از فلانی این قدر پول می خواهم بعد یک چنین شاهدی که مثل کتاب های رجالی باشد برای ادعای خود اقامه کند، چنین شاهدی پذیرفته شدنی نیست.

این توضیح عبارت رسائل.

اما توضیح عبارتی که در تقریرات شیخ، مطارح الانظار جلد 3، صفحه 212 همین اشکال دوم آمده است:

الثانی سلمنا وجود العلم الاجمالی بنصب الطریق من جهة العلم بانَّ الشارع مثلا قد امضا بعض الطرق العرفیة و نهی عن بعض الآخر فتصرف فیها جرحا و تعدیلا فیکشف ذلک عن انّه (شارع) لم یرض لنا بالعمل بما فی ایدینا مطلقا بادعاء کفایة مثل ذلک فی نصب الطریق و عدم افتقاره الی امر آخر غیر ما ذُکر فلا نسلم وجود المنصوب منه عندنا.

معنای عبارت: ما یک مرحله پایین می آییم و قبول می کنیم علم اجمالی داریم به این که شارع یک طریقی را نصب کرده است و دلیل ما هم بر این که شارع طریقی نصب کرده است به تبع از صاحب فصول این است که بگوییم شارع نصب مستقل نداشته است بلکه همان طرق عرفیه را اورده است دخل و تصرف هایی کرده است، بخشی را امضاء کرده و بخشی را رد کرده است. جرح و تعدیل کرده است ولی بالاخره امر شرعی شد؛ چون شارع راضی نیست که ما دقیقا به همان معیار های عرفی عمل کنیم مطلقا و بگوییم این ها ما را بس و چیز دیگری نیاز نداریم، نه شارع تبصره ها زده است، تعلیقه هایی زده است مجموعش شده است یک طریق.

حال بسیار خب یا می گوییم شارع اصلا طریق مختص خود را جعل کرده است یا یکی از همین طرق عقلائی را با دخل و تصرف امضاء کرده است بسیار خب. طریق شرعی است اما و لا نسلم وجود المنصوب منه عندنا، ما این را قبول نمی کنیم که انی را که شارع نصب کرده است الان پیش ما هست. چه بسا شارع نصب کرده است ولی الان از دست ما رفته است.

لاحتمال انتفاء موضوعه فانّه یحتمل ان یکون المنصوب منه هو الخبر العادل الواقعی

ممکن است آن چیزی که شارع نصب کرده است خبر عادل واقعی باشد، عادل واقعی یعنی انی که قطع به عدالتش داریم یا ممکن است ان طریقی که شارع نصب کرده است:

او الخبر المستفیض (نه یک خبر، ) او الخبر العدل (یا اگر هم عادل است؛ ) من غیر واسطة مثلا (این از امام مستقیم نقل کند این را حجت کرده است.) و مصادیقه لیس بموجودة عندنا بواسطة حدوث السوانح و عروض الحوادث

چون این حوادث رخ داده است مصادیق این طرق منصوبه الان در دست ما نیست.

فیقطع التکلیف به لارتفاع موضوعه و بالجملة انّ مجرد العلم الاجمالی و نصب الطریق علی تقدیره (تقدیر علم اجمالی) لا یلزم بقائه فی زمننا (لازمش این نیست که ان طریق الان هم در زمان ما باقی باشد) فیحتمل ان لا یکون الطریق المنصوب، (آن طریقی که شارع نصب کرده است) فی الطرق الموجودة عندنا (در طرقی که الان داریم نباشد) بواسطة انتفاء مصادیقه لدینا(مصادیق ان طرق الان در دست ما نیست و مصادیق طرق که نبود: ) فلا تکلیف به (دیگر به آن حکمی که در وعاء واقع هست ما تکلیفی نداریم) فیقطع الاستدلال بواسطة قیام الاحتمال (ما حتی اگر احتمال هم بدهیم استدلال شما جناب صاحب فصول مخدوش می شود)

یک بخش از رسائل مانده است که مخصوصا گذاشتم بماند. اما در مطارح همه اشکال دوم همین بود یک اضافه ایی در رسائل داریم که ان را خواهم رسید ان شاء الله جلسه آینده.

اما حال علی الحساب خلاصه اشکال شیخ انصاری اعلی الله مقامه الشریف به صاحب فصول این است که سلمنا شارع طریقی را نصب کرده است اما چه بسا ان طریق از طرقی بوده باشد که یک زمان ممکن بوده است اما الان ممکن نیست. یک زمان در دسترس بوده است الان در دسترس نیست. مثال هایی که می زنیم برای طرقی که در دسترس بوده است و الان در دسترس نیست خبر مستقیم از امام، خبری که کثرت قرائن داشته باشد. خبر عادل واقعی. این ها الان قسمی است نادر در دست ما. وقتی که طریق نبود طبیعتا احکام هم مورد مناقشه است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.